

طرح اولیهٔ مهریه که در مجلس مطرح شده چه می‌گوید؟ چه نقدهایی به آن وارد است؟

عندالمطالبه از قانون

زینب مرزوقی- فاطمه قدیری
گروه جامعه

در سال‌های اخیر، قانون‌گذاری در حوزه خانواده در مسیری پرشتاب پیش رفته است؛ اما این سرعت، بیش از آن‌که حاصل یک طرح جامع باشد، نتیجه واکنش‌های «مردی» به بحران‌ها و آمارهاست. یکی از تازه‌ترین نمونه‌ها، اصلاح قانون محکومیت‌های مالی و حذف حبس بدهکاران مهریه است؛ تغییری که در ظاهر با هدف کاهش جمعیت محکومان کیفری انجام شده، اما در عمل، می‌تواند یکی از حساس‌ترین نقاط تماس میان فقه، قانون و زندگی اجتماعی را درگروَن کند.

مهریه، در نظام حقوقی ایران، نه فقط یک سنت مالِ بلکه سازوکاری فقهی برای تضمین بخشی از امنیت اقتصادی زنان است. درحالی‌که بسیاری از قوانین خانواده در دهه‌های گذشته تغییر بنیادین نداشته‌اند، این نهاد بیش از هر بخش دیگری در معرض اصلاح‌های پیاپی قرار گرفته است. قانون جدید نیز در امتداد همین روند است، تلاشی برای کاستن از فشار کیفری بر نظام قضایی؛ اما بدون بازتعریف جایگاه مالی زن در ساختار ازدواج.

مسیر تصویب این اصلاحیه، اگرچه کوتاه و سریع بود؛ اما در دل خود نشانه‌ای از ناهماهنگی در اولویت‌های جابگزین، توازن میان حقوق و تعهدات زوجین مرتبط با حمایت از زنان و بازنگری در حقوق خانواده که مورد تأکید مقام معظم رهبری نیز بوده‌اند، سال‌هاست در پیچ‌وخم بررسی باقی مانده‌اند، طرح مهریه، ظرف چند ماه مسیر تصویب را طی کرد. این تفاوت در سرعت، صرفاً مسئله‌ای اداری نیست، نشان می‌دهد قانون‌گذاری در حوزه خانواده هنوز فاقد ر و یکدزی یکپارچه است و هر تصمیم تازه، بیش از آن‌که بر پایه اصلاح ساختار باشد، پاسخی فوری به یک مسئله اجتماعی است.

بااین‌حال، پرسش اصلی همچنان پابرجاست: آیا حذف ضمانت کیفری مهریه می‌تواند بدون طراحی ابزارهای جابگزین، توازن میان حقوق و تعهدات زوجین را حفظ کند؟ در شرایطی که بسیاری از زنان برای وصول مهریه، تنها به ابزارهای قضایی تکیه دارند، حذف حبس می‌تواند به تغییر موازنه در روابط خانوادگی بینجامد؛ تغییری که پیامدهای آن فراتر از دادگاه و سکه است.

اصلاح قانون مهریه، اگر قرار است به عدالت و کارآمدی نزدیک شود، باید در کنار بازنگری در سایر قوانین خانواده دیده‌شود، قوانینی که هنوز متناسب با تحولات اقتصادی، اجتماعی و فقهی امروز بازتعریف نشده‌اند. در غیر این صورت، هر اصلاح موردی، هرچند با نیت درست آغاز شود، ممکن است به جای حل مسئله، تنها بخشی از آن را جابه‌جا کند.

در همین راستا، «فرهیختگان» در گفت‌وگو با عثمان سالاری، نایب رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس، توران ولی‌مرد، فعال حوزه زنان و علیرضا مراونی، کارشناس حقوقی به بررسی ابعاد مختلف این طرح پرداخته است.

■ ■ ■

قانون جدید مهریه گوشه‌ای از سیاست زندان‌زدایی

مراونی با بیان اینکه این قانون درباره کاهش حبس ناشی از مهریه است، گفت: «استدلال نمایندگان مجلس و دولت این است که با این تغییر، جمعیت زندانیان کشور کاهش پیدا می‌کند. سال‌هاست که در قوانین داخلی و بین‌المللی، سیاست «زندان‌زدایی» دنبال می‌شود. یعنی تلاش می‌شود نهاد زندان حذف یا حداقل استفاده از آن کمتر شود و به‌جای آن، مجازات‌های جایگزین و تربیتی مورد استفاده قرار گیرد. از سال ۱۳۹۹ نیز موضوع «جایگزین‌های حبس» در قوانین داخلی ایران جدی گرفته شده، قانون آن تصویب شده، آیین‌نامه اجرایی آن به تصویب رسیده و اکنون در حال اجراست. قانون جدید مهریه نیز در ادامه همین روند زندان‌زدایی است. باافزایش جمعیت زندانیان، قوه قضائیه نیز تلاش دارد مجازات‌های حبس را کاهش دهد و به‌جای زندانی کردن افراد، روش‌های اصلاحی و اجتماعی را به کار گیرد.»

«در گذشته، قاضی می‌توانست به‌محض شناسایی اموال مردی که مهریه را

پرداخت نمی‌کرد، او را بازداشت و روانه زندان کند؛ اما در قانون جدید، شرایط تغییر کرده است. در این قانون، سقفی برای «مهریه» تعیین نشده؛ یعنی همچنان زن و مرد می‌توانند به هر میزان که توافق کنند، مهریه را تعیین کنند. اما تفاوت مهم در اینجاست که «سقف کیفری مهریه» از ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه کاهش یافته است. به این معنا که اگر مرد تا سقف ۱۴ سکه مهریه را پرداخت نکند و نتواند اعسار خود را ثابت کند یا اقساط آن را بپردازد، ممکن است زندانی شود؛ اما برای مهریه بیش از ۱۴ سکه، مجازات زندان در نظر گرفته نمی‌شود. در این موارد، ممکن است از ابزارهایی مانند پابند الکترونیکی و محدودیت‌های حرکتی استفاده شود. در نتیجه، مهریه حذف نشده؛ بلکه ضمانت اجرای کیفری آن کاهش یافته است؛ یعنی زندان فقط تا سقف ۱۴ سکه اعمال می‌شود.»

«البته اگر مرد دارایی داشته باشد و از پرداخت مهریه خودداری کند، زن همچنان می‌تواند از طریق ثبت اسناد اقدام کند و اموال او را توقیف نماید؛ از جمله خودرو، سهام در بورس، سهام شرکت‌ها و حساب‌های بانکی. بنابراین، حقوق زن در این بخش همچنان محفوظ است. در نهایت، اگر مرد نتواند پرداخت کند و ثابت شود و افعاً توان مالی ندارد، تنها بابت ۱۴ سکه ممکن است زندانی شود و پس از آن، با پابند الکترونیکی تحت نظارت قرار گیرد. استفاده از پابند الکترونیکی هم موضوع جدیدی نیست و پیش‌تر برای جرایم دیگر نیز به‌کار گرفته شده است.»

حق حبس زن با پرداخت اولین قسط مهریه از بین می‌رود

این وکیل دادگستری در این خصوص که آیا طبق این قانون، زنان همچنان می‌توانند مهریه‌ای بیش از ۱۴ سکه تعیین یا مطالبه کنند، گفت: «بله، در قانون جدید نیز زن می‌تواند به هر میزانی که در عقدنامه قید شده است، مهریه تعیین و مطالبه کند. اما تفاوت در این است که تنها تا سقف ۱۴ سکه وصف کیفری دارد. یعنی اگر مرد تا ۱۴ سکه را پرداخت نکند و نتواند اعسار خود را ثابت کند، ممکن است زندانی شود. اما برای مهریه بیش از ۱۴ سکه، زندان در نظر گرفته نشده و مجازات‌ها به‌صورت جایگزین (مانند پابند الکترونیکی یا محرومیت‌های اجتماعی) اعمال می‌شوند. همان‌طور که در چک‌ها برخی



اساس البیت با مرد است؛ یعنی قانون تمام مسئولیت‌ها را بر دوش مرد گذاشته، درحالی‌که بسیاری از حقوق را هم به‌نفع او تعریف کرده است؛ اما در مجموع، این قوانین ناکارآمدند.»

ازدواج بر پایه واقعیت‌های چهاردهه پیش

وی با اشاره به اینکه اگر حداقل مهریه را ۱۴ سکه در نظر بگیریم، الان بیش از یک‌ونیم میلیارد تومان می‌شود، گفت: «پس ۲۵ تا ۳۵ سکه‌ای که تازه‌می‌خواهد ازدواج کند، باید مسکن تهیه کند، نفقه بدهد و هزینه زندگی را بپردازد. خب، از کجاست باید این‌ها را تأمین کند؟ وقتی چنین تعهدی را می‌پذیرد، یعنی باید فوراً پرداخت کند. این خودش غلط است. قوانینی که حدود ۴۰ سال پیش به سند ازدواج اضافه شدند، برای شرایط آن زمان کارآمد بودند، چون زنان در آن دوره به طور متوسط هفت تا هشت یا حتی یازده فرزند به دنیا می‌آوردند. یعنی عملاً تمام عمرشان صرف بارداری، شیردهی و مراقبت از فرزند می‌شد؛ اما امروز که زنان با فرزند ندارند یا یک فرزند دارند، دیگر نمی‌توان همان قوانین را اعمال کرد. بنابراین، ما نیاز داریم نهادهای مرکزی برای بازنگری و بازسازی قوانین خانواده ایجاد شود؛ نهادهی که تمام ابعاد حقوقی، مالی و اجتماعی خانواده را بررسی کند و مسیر رسیدن به وضعیت مطلوب را مشخص سازد. در حال حاضر، ما حدود ۳۴ سال است که در مجموعه نهاد ریاست‌جمهوری، مرکزی برای امور زنان داریم که اکنون به «معاونت امور زنان و خانواده» تبدیل شده است؛ اما متأسفانه یکی از ناکارآمدترین نهادهاست، چون نتوانسته در اصلاح قوانین و تدوین لوائح مؤثر عمل کند. این موضوع ربطی به‌دولت خاصی ندارد. چه دولت مردم و چه یازدهم و دوازدهم و... در این زمینه پیشرفت، رویکرد مناسبی نداشتند. مثلاً درباره «الایحه تأمین امنیت زنان»، ریشه‌اش به نشست راهبردی سال ۱۳۹۰ با مقام معظم رهبری برمی‌گردد. در آن نشست درباره منع خشونت علیه زنان صحبت شد. پس از آن، معاونت امور زنان متنی را تدوین کرد که نیاز به اصلاح داشت. دولت یازدهم با رویکرد خودش آن را بازنویسی کرد؛ اما متن جدید هم ایرادات اساسی داشت. می‌گویند این لایحه ۱۴ سال است معطل مانده؛ اما دلایلش این است که متن اولیه اشکالات زیربنایی داشت. چون دیدگاه همه نخچیان و جریان‌های فکری در آن لحاظ نشده بود و فقط یک جریان خاص آن را نوشته بودند.»

ولی‌مرد با بیان اینکه در قانون، حقوق زن، جایگاه انسانی و کرامت او دیده نشده است و برای جبران آن مهریه را بالا بردند، تصریح کرد: «گفتند اگر زن خواست طلاق بگیرد یا بخواند برای رفتار مرد ضمانت اجرا بگذارند، مهریه بالا می‌تواند بازدارنده باشد؛ یعنی مرد از اجرای آن بترسد، اما نتیجه چه شد؟ مهریه‌های بالا، مانع اصلی ازدواج جوانان شدند. اصل مهریه ۱۴ سکه‌ای هم اشتباه است. چون تا ۱۴ سکه مجازات کیفری دارد و بالاتر از آن فقط حقوقی محسوب می‌شود. چرا باید یک پسر در لحظه عقد، حتی مهریه ۱۴ سکه‌ای را امضا کند؟ چرا باید چنین تعهدی بدهد؟ یعنی حتی همان حداقل هم سنگین است. یک پسر ۲۵ ساله چطور می‌تواند همین ۱۴ سکه را پرداخت کند؟ اگر بگویند باید صبر کند تا پولش را جمع کند، یعنی باید بیش از یک و نیم میلیارد تومان تهیه کند تا تازه بتواند ازدواج کند! ما به قانونی نیاز داریم که زن به اندازه آورده اقتصادی خود در خانواده، از دارایی‌هایی که در زندگی مشترک به‌دست می‌آید، سهم داشته باشد و این موضوع نباید به طلاق ربطی داشته باشد.

باید قانونی تصویب شود (یا دست‌کم تا زمان تصویب، در شروط ضمن عقد گنجانده شود) که زن از دارایی‌هایی که در طول زندگی مشترک به‌دست می‌آید، سهم داشته باشد؛ چرا باید چنین تعهدی بدهد؟ یعنی همان حداقل هم سنگین سهام یا ملک به نام زن کرده، آن‌ها باید از این سهم کسر شود؛ اما اصل بر این است که زن، به میزان آورده واقعی‌اش در اقتصاد خانواده، حق مالکیت داشته باشد. زن ممکن است در شش‌الیز یا باغ کار کند، دامداری یا صنایع دستی انجام دهد یا بیرون از خانه شاغل باشد و درآمدش را در زندگی خرج کند. تا وقتی چنین قانونی نباشد، زندگی مشترک زن و مرد تهی می‌شود. بارها این را به دولت‌های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم گفته‌ام و همیشه هم به معاونت زنان تأکید کرده‌ام. آن‌ها می‌گویند: «ما اجرت‌المثل داریم.» من می‌گویم زن در طول زندگی مشترک باید سهم داشته باشد. زنی که در خانه و بیرون از خانه کار می‌کند، چرا نباید در دارایی‌های خانوادگی سهم داشته باشد؟ ممکن است زن و مرد یک سال، ده سال یا پنجاه سال با هم زندگی کنند. پس از این مدت اگر مرد فوت کند، زن باید از دارایی‌هایی که در زندگی مشترک به‌دست آمده سهم ببرد. این موضوع با اِرت متفاوت است؛ چون زن در این دارایی‌ها نقش مستقیم داشته است. او خانه را بر پا کرده، بچه‌ها را بزرگ کرده، زندگی را گرم نگه داشته و گاه درآمد خود را هم خرج خانواده کرده است.»

مهریه‌های سنگین و قوانین کهنه ازدواج را به بن‌بست گشاده‌اند

این کارشناس حوزه زنان گفت: «این وصله‌پی‌های فعلی جواب نمی‌دهد. مهریه‌های سنگین باعث شده‌اند پسر‌ها از ازدواج بترسند. با این تورم اقتصادی، سکه و همه چیز روز به‌روز گران‌تر می‌شود. در گذشته، پلر داماد ممکن بود زمین یا ملکی داشته باشد و آن را به نوعی به عروس بدهد؛ اما امروز این طور نیست. ما باید قوانین خانواده را با شرایط روز و واقعیت‌های اجتماعی امروز تطبیق دهیم. زنان پس از انقلاب اسلامی رشد قابل توجهی داشته‌اند؛ چه در تحصیلات، چه در اشتغال و چه در عرصه‌های اجتماعی. امروز زنان بسیاری مؤسس شرکت‌ها و فعال اقتصادی‌اند. حتی اگر شاغل نباشند، ذهن تحلیلی‌گر و

تربیت‌شده آن‌ها در پرورش نسل مؤثر است؛ اما با وجود این رشد و توانمندی، قوانین خانواده هیچ تغییری نکرده‌اند. این غلط است، بسیار غلط. هر بخشی از قانون خانواده را نگاه کنید، می‌بینید با شرایط زندگی امروز سازگار نیست. مهریه یکی از نمونه‌های بارز این ناهماهنگی است.»

ناکارآمدی معاونت امور زنان ریاست‌جمهوری در حوزه قوانین خانواده

وی ادامه داد: «زنان و خانواده در جامعه با مشکلات جدی روبه‌رو هستند. معاونت زنان که باید مرکز پژوهش، تحلیل و برنامه‌ریزی باشد، به جای اقدام علمی، فقط شعار می‌دهد. این معاونت باید از طریق تحقیقات دانشگاهی و داده‌های واقعی، مشکلات را شناسایی کند و سپس برنامه اجرایی و الزام‌آور برای دستگاه‌ها بنویسد. خودش لازم نیست مجری باشد؛ اما باید وزارتخانه‌ها را «موظف» کند که در مسیر اصلاح قوانین و اجرای برنامه‌ها حرکت کنند. در حوزه اصلاح قوانین هم وظیفه تدوین و ارائه لایحه با خود این معاونت است؛ اما کارایی نمی‌کند. همه‌اش می‌گویند: «لایحه تأمین امنیت زنان ۱۴ سال است مانده.» خب، شما چه کردید؟ همان لایحه خشونت علیه‌زنان که بعد از سال‌ها تازه گیلیتش در مجلس تصویب شد، پر از اشکال است.»

مهریه نباید دلیل عدم رغبت جوانان به ازدواج باشد

همچنین گروهی از حقوق‌دانان و صاحب‌نظران که از قضا خود بر مسند قانون‌گذاری قرار دارند بدون در نظر گرفتن حق شش‌ری زن برای دریافت مهریه، بر این باورند که گسترش ضمانت‌های کیفری در حوزه خانواده، نه‌تنها موجب حمایت از خانواده نشده، بلکه خود به یکی از عوامل بی‌اعتمادی و کاهش تمایل به ازدواج در میان مردان تبدیل شده‌است. سالاری با توجه به نظر گروهی از فعالان این حوزه که معتقدند بحث مهریه در صدر اولویت معضلات نهاد خانواده نیست، اظهار کرد: «به گمان بنده یکی از علت و عوامل اصلی و مسببات تجمع حقوق طلاق‌ها و یکی از دلایل و موارد عدم میل و رغبت مردان به ازدواج، همین مجبوس کردن و به زندان انداختن آقایان بابت مهریه است. مگر قانون ما بابت عدم تمکین بانوان مجازات کیفری در نظر گرفته است؟ در قانونی که برای عدم توانایی مرد در پرداخت مهریه حبس وزندان در نظر می‌گیرد و او را مجبور می‌کند یا مبلغ مهریه را بدهد یا به زندان برود، آیا به سایر حقوق او هم توجه می‌شود؟ به توانایی‌های او توجه می‌شود؟ اشخاصی که ازدواج می‌کنند مگر چندر حقوق می‌گیرند که از پس پرداخت مهریه هم بریابند؟ حقوق متوسط یک مرد با مدرک کارشناسی ارشد مبلغی بین ۱۵ الی ۲۵ میلیون تومان است، تازه اگر این شانس را داشته باشد و به استخدام ارگان یا شرکتی دربیاید. چگونه با چنین میزان دستمزدی می‌توان از او انتظار پرداخت چنین مبلغ سنگینی را داشت. ضمناً مگر مراد و مقصود ازدواج چیزی غیر از ایجاد فضایی پر از اخلاص، صمیمیت و مهربانی است؟ مگر غیر از این است که در فضایی مملو از عشق، محبت و مهرورزی زندگی ایجاد کنند؟ باید قانون‌گذاری به سمت‌وسویی برود که خانواده دوام و بقا داشته باشد و بتواند با فرزندآوری و تربیت فرزندانی صالح و لایق به پیشرفت این کشور کمک کند. همچنین باید توجه داشت که تکلیف زوج به پرداخت مهریه به هر میزانی که با هم توافق کنند، با اجرای این طرح ساقط نمی‌شود؛ همچنان بعد حقوقی و مدنی آن با همان کیفیت سابق استوار و پابرجاست. پس دیگر چه خدشه‌ای به حقوق زن وارد می‌شود که این همه جار و جنجال بی‌فایده برای تشویش و تخریب آذهان عمومی ایجاد کرده‌اند. برای اینکه مردان از حق طلاقی که دارند روزی سوءاستفاده نکنند، ما دو بند را به ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی اضافه کردیم مبنی بر اینکه اگر روزی زوج به این نتیجه رسید که با زوج ثابت ندارد و از نظر ذهنی و فکری یا بکلیگر در تداخل است، زوج به‌تواند با تقدیم دادخواست طلاق به دادگاه و بخشش حقوق مالی خود آزادانه زندگی کند و دادگاه مکلف شود که او را طلاق دهد. خب این خیلی امتیاز مهمی است برای بانوان، مخصوصاً برای بانوانی که سال‌هاست در مراجع قضایی پیگیر امر طلاق خود هستند و مردم می‌گویند طلاق حق من است و زن هم دلایل محکمه‌پسندی ندارد که ثابت کند در عسر و حرج (سختی) به سر می‌برد. حالا نکته جالب اینجاست که برخی افراد که با طرح کاهش مخالفت‌با این طرح هم مخالفت می‌کنند. طرحی که صددرصد به نفع بانوان است و ذره‌ای از حقوق آنان کم نمی‌کند. بنده نمی‌دانم که این طرح گنجایش ایراد دارد که این همه مورد به‌همه و حمله قرار گرفته است.»

مهریه باید عندالاستطاعه شود

سالاری در خصوص مبنای مهریه گفت: «ما در عقد بی‌می‌گویم منبع در قبال چیست؟ ثمن. حال کسی که ازدواج می‌کند و مهریه تعیین می‌کند باید بتواند از زوج خود تمکین ببیند و طبق قول مشهور فقها و همچنین مقام معظم رهبری، تمکین خاص مدنظر است. خب مگر می‌شود یک نفر ازدواج کند، تمکین هم نکند و شوهرش را زندان هم بیندازد؟ خب این اصلاً با فلسفه ازدواج جور در نمی‌آید. اینکه افراد به دلیل نپرداختن مهریه تحت هر حالت و عنوانی باید زندان بروند، اگر اثر بخش بود و این کار نسخه شفابخشی بود، زندان‌های ما مملو از زندانیان مهریه نبود. مضافاً اینکه این نگاه وجود دارد که مهریه ابزاری برای حمایت از زنان است. مگر ما در این طرح بیان کردیم که مضاف بر ۱۴ سکه ممنوع است؟ تخفیر؛ هیچ محدودیتی برای تعیین مهریه وجود ندارد. زوج می‌تواند به دادگاه رجوع کند و از باب یک تعهد حقوقی و مدنی از جانب زوج برای زوج، هرچه مال در هر جای کشور متعلق به زوج بود را توقیف کند و مهریه خود را وصول نماید و این طرح جنبه حمایتی از کانون مقدس خانواده را دارد و نه جلوگیری‌کننده از حقوق زنان. شما هر فرض و فرضیه‌ای برای ماهیت مهریه متصور شوید و به آن قائل باشید، تصویب این طرح خدشه‌ای به حقوق بانوان وارد نمی‌کند و بانوان همچنان می‌توانند پیگیر مهریه خود باشند.»

وی همچنین با انتقاد از وضعیت عندالمطالبه بودن مهریه می‌گوید: «اساس مهریه در زمان انعقاد عقد این‌گونه است که زن هر لحظه‌ای که مهر خود را مطالبه کند، باید مهریه‌اش پرداخت شود و توجه به توانایی و استطاعت مرد در پرداخت مهریه حالتی استثنایی دارد که باید در حین عقد و در ضمن عقد لحاظ شود. اما باید اصل و قاعده این‌گونه بشود که کسانی که واقعاً مهریه برای آن‌ها مهم است و به دنبال پرداخت و وصول مهریه هستند، در زمان عقد شرط کنند و در همان ابتدایه‌اسکان و در حین عقد مهریه خود را وصول کنند و یا تعضیمات کافی و مناسب دریافت کنند. نظر بنده این است که پیش فرض عندالمطالبه که هم‌اکنون در عقد وجود دارد به حالت عندالاستطاعه‌بودن تغییر یابد و عندالمطالبه‌بودن مهریه استثنای عقد باشد. البته همین که مهریه در سند ازدواج ذکر می‌شود ولی پرداخت نمی‌شود، خودش قرینه‌ای برای این حالت عندالسطاعه‌بودن مهریه است. اگر عندالمطالبه بود باید همان لحظه پرداخت می‌شد، نه اینکه فعلاً ازدواج صورت بگیرد و بعداً اگر تمکن مالی پیدا کرد، مهریه را پرداخت کند.»